

اصولاً دعوی ما با آمریکا سر چیست یا دعوی آمریکا با ما بر سر چیست؟

یعنی اگر هر یک از اینها علیه یک کشور دیگر اقدامی ظالمانه کردند و قرار شد در جایگاهی که تحت عنوان شورای امنیت تعریف کرده‌اند در باره آن اقدام بررسی بشود، حتی اگر بر فرض این که آن چهار کشور دیگر هم این اقدام ظالمانه را محکوم کنند، اما اگر همان یک کشور آن تصمیم را وتو بکنند همه چیز تمام می‌شود!

تبعیض در حق وتو

مثال

پاسخ این سوال یک فهم صحیح نیاز دارد از آن چه در موضوعات مورد مناقشه ما با آمریکا مطرح می‌شود. در عرصه بین‌الملل بعد از جنگ جهانی دوم تا کنون یک مناسباتی شکل گرفته است که این مناسبات تحت عنوان مناسبات بین‌المللی می‌خواهد خودش را بر جهان تحمیل بکند و در بسیاری از عرصه‌ها هم تحمیل می‌کند.

NPT را اگر ملاحظه بفرمایید، می‌بینید در همان بند ۱ و ۲ بیان شده که عده‌ای می‌توانند سلاح هسته‌ای داشته باشند!

تبعیض در NPT

۲ فرق این دوره از مناسبات بین‌الملل با قبل

یک هیتلری پیدا می‌شد که رسماً بیان می‌کرد که من فاشیست هستم! و هیچ ابایی نداشت

قدیم:

کسانی که این مناسبات را شکل داده‌اند، دارای سلاح هسته‌ای هستند و مدعی مبارزه با سلاح‌های هسته‌ای هم می‌شوند!

الآن:

حرفشان همان منطق قدیمی استکبار است!

این بر اساس چه منطقی است؟

رژیم‌هایی را که حتی قانون اساسی ندارند و در تاریخشان یک انتخابات برگزار نشده است (!)، متحدین و دوستان نزدیک خود در منطقه معرفی می‌کنند و ادعای دموکراسی خواهی هم دارند

به ناحق، در زمین سر برافراشتند و گفتند: چه کسی از ما نیرومندتر است؟ (فصلت ۱۵)

فَأَسْتَكْبِرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مَقْوَمًا

و گفتند: اموال و اولاد ما [از همه] بیشتر است (سبأ ۳۵)

وَقَالُوا لَنْ نَكْتُمُ الْأَمْوَالَ وَالْأَوْلَادًا

ما (امریکا) باید کماکان برای یک قرن آینده به عنوان رهبر جهان باقی بمانیم.

حالا در این جهان دموکراسی یکی نیست سؤال بکنند چه کسی به شما چنین حقی را داده؟ کجا چنین انتخابی صورت گرفته است؟

برای این که بتولیم این رهبری را حفظ بکنیم از همه ابزارهای قدرت خود استفاده خواهیم کرد تا جایگاه و نفوذمان نسبت به همه کشورها کماکان «بیشتر» بماند

ما (امریکا) نشان خواهیم داد که در مقابله با تهدیدها در سطح جهان حتی به صورت «یک جانبه» اقدام خواهیم کرد.

یعنی حتی اگر همین شورای امنیت و آن چهار کشور دیگر که همان‌ها هم با یک مبنای غلط آن امتیازها را به دست آورده‌اند مخالفتی کنند، اگر لازم باشد یک جانبه علیه آن هم اقدام خواهیم کرد.

اگر ضرورت داشته باشد ما نه تنها یک جانبه عمل می‌کنیم بلکه از «بازدارندگی هسته‌ای» نیز استفاده خواهیم کرد.

۳ آمریکا چه تفاوتی با قدرتهای دیگر دارد؟

ما بارها هم اعلام کردیم که به جز رژیم صهیونیستی که اصلاً آن را نامشروع می‌دانیم، با همه کشورها از روابط سازنده استقبال می‌کنیم. در این جا یک استثنا خورده است. آن هم دولت ایالات متحده آمریکا است. اشاره شد که اینها حداقل چهار- پنج قدرت هستند. بقیه شان هم همین ویژگی‌ها را دارند. پس تفاوت آمریکا چیست؟ چرا ما با او در یک رویارویی هستیم؟ تفاوتش در سند استراتژی امنیت ملی آمریکاست! سندی که مقدمه‌اش را هم خود آقای اوباما امضا کرده و یک سند سری هم نیست بلکه متن آن روی اینترنت قابل رویت است

برخی مفاد سند استراتژی امنیت ملی آمریکا ۲۰۱۵

این جا است که شما با یک پدیده‌ای مواجه می‌شوید که علاوه بر آن ویژگی‌های مشترکش با چند قدرت دیگر، یک چیز اضافه هم برای خودش قائل است.

۴ لزوم واقع بینی در عرصه سیاست خارجی

ما اتفاقاً حرف افرادی که می‌گویند در سیاست خارجی باید واقع بین بود و سیاست خارجی جهان بر مبنای واقعیت‌ها است را از این نظر قبول داریم! یک واقعیت همین است! این واقعیت‌ها را ببینیم! اتفاقاً دقیقاً باید در سیاست خارجی واقع بین بود و رمانتیک نبود. دچار توهم نشد و واقعیت‌ها را دقیق دید. آیا این واقعیت هست یا نیست؟



هدف اصلی انقلاب اسلامی چه بود؟

حالا باید به این مساله توجه کنیم که اساسا انقلاب اسلامی چه بود؟ پدیده‌ای بود که می‌گفت چرا و چه کسی به تو چنین حقی داده است؟ شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی همین بود که چه کسی به شما چنین اجازه‌ای داده که بخواهید راجع به فلان تحقیقات ما در فلان دانشگاه ما حد و مرز تعیین نکنید و بگویید Practical needs ما باید با شما share شود؟ چه کسی به تو همچنین حقی را داده؟

اشاره به متن توافق ژنو

او می‌بیند در این مناسباتی که درست کرده یکی جلویش ایستاده است و می‌گوید نه!

این پدیده فقط مقاومت نمی‌کند بلکه پیشرفت هم می‌کند!

این پدیده فقط این نیست که بایستد و یک اندیشه متفاوتی را مطرح نکند بلکه در حال پیشرفت هم هست و برای دیگران الگو هم می‌شود.

یک شجره طیبه‌ای شکل گرفته که:

...درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است [و] میوه‌اش را هر دم به اذن پروردگارش می‌دهد... (ابراهیم ۲۴ و ۲۵)

...شَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ
وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْثَرَ
حِينَ يَأْذِنُ رَبُّهَا

حالا چرا ایران اهمیت پیدا می‌کند؟

* آقای پرویدی نخست وزیر اسبق ایتالیا به عنوان یک استاد اقتصاد و نظریه‌پرداز توسعه هم مطرح است. چندی قبل که ایشان بعد از نخست



برای شنیدن سخنرانی و مشاهده کلیپ آن می‌توانید از رمزیننه روبه‌رو کمک بگیرید و یا به آدرس زیر مراجعه کنید
DRJALILY.COM

۴

وزیرایش به تهران آمده بود با ما یک ملاقاتی داشت. در آن دیدار بیان می‌کرد که شما (ایران) فقط مقاومت نکردید، بلکه پیشرفت هم کردید و من به عنوان یک استاد اقتصاد دارم این را بیان می‌کنم.

هدف اصلی آمریکا

مستثنی انرژی ایران

نه انرژی مستثنای ایران!

دکتر سعید جلیلی که سه شنبه ۷ اردیبهشت برای شرکت در برنامه‌ای با عنوان

«میل و مدل آمریکا»

به دعوت بسیج دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند به این شهر سفر کرده بود، در جمع دانشجویان این دانشگاه در سخنانی به طور تفصیلی به تفاوت اصلی آمریکا با قدرتهای دیگر جهان پرداخته بود که در ادامه خلاصه این سخنرانی را از نظر می‌گذرانید



این رویارویی ایران و آمریکا یک رویارویی تمدنی است

اینطور نیست که اگر شما یک لبخند بزیند مشکل حل بشود! یا اگر ادبیات تند نداشته باشید مشکل حل می‌شود!

مثال

کودتای ۲۸ مرداد

در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که ادبیات تندی از سوی ایران علیه آمریکا در کار نبود!

پس آن زمان چرا آمریکا آن طور رفتار کرد و علیه دولت وقت ایران کودتا کرد؟

کودتای مصر

مقامات مصر که دیگر رفتار تندی علیه آمریکا نداشتند حتی روابطشان را با رژیم صهیونیستی هم حفظ کرده بودند

چرا پس مرسی را هم هوسال تحمل نکردند؟ بلولت مصر چطور رفتار کردند!

هدف اصلی امریکا هسته ی انرژی ایران است نه انرژی هسته ای!

چند قدرت جهانی ۱۸ روز همه کارشان را رها می کنند و می آیند و می گویند می خواهیم بنشینیم و با ایران صحبت گفتگو کنیم، این واقعاً فقط به خاطر این است که ایران چندتا سانتری فیوژ دارد؟ اینها که هر کدامشان چند هزار کلاهک هسته ای دارند! در همین منطقه ما می بینید کشورهای دیگری هستند که عنوان جمهوری اسلامی هم دارند و سلاح هسته ای هم دارند! پس چرا امریکا به آن کشور کاری ندارد؟

این نشان می دهد هدف اصلی امریکا **انرژی هسته ای ایران نیست.** هدف او آن «هسته ی انرژی ایران» است که همان **ایمان و خداباوری است.**

مدلی که ایران ارائه می کند

نتیجه

آزادسازی خرمشهر

آزادسازی جنوب لبنان

تکثیر این مدل

جنگ ۳۳ روزه

جنگ ۲۲ روزه

جنگ ۸ روزه

اهرم او برای عقب راندن ما چیست؟

ترساندن

ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ اَوْلِيَاءَهُ

این شیطان است که یاران خود را می ترساند (آل عمران ۱۷۵)

باطل السحر آن چیست؟

نترسیدن و ایستادن

خود و خدا را باور داشتن و آن قدرت را پیدا کردن.

امریکا نگران غنی شدن نسلی است که در برابر او نمی هراسند

اما این منبع قدرت چیست؟ همین شهدای بزرگوار هسته ای! همان روحیه شهادت طلبی، همان شهید شهریاری که در لیست ترور هم قرار می گیرد ولی نمی ترسد و ایران را سربلند می کند. دشمن از همین نگران است. او از غنی سازی چنین جوانانی نگران است. از چنین نسلی نگران است که می ایستند، تلاش می کنند و در جهت صحیح از منافع خود دفاع می کنند. لذا مهم تر از این که دشمن چند دانشمند ما را ترور کند، این است که اندیشه خودباوری و خداباوری ما را ترور کند. چون اگر این کار را کرد آن وقت می تواند عملاً هزاران دانشمندی که می توانند برای ملت خدمت باشند را از کار بیندازد.

این را بارها گفتم، آقای فهیمی هویدی یک نویسنده شهیر مصری است که چند سال پیش مقاله ای نوشته بود، چند روز پیش دوباره آن مقاله را با ادبیات دیگری نوشته بود، در شرق الاوسط در کمتر از یک ماه گذشته منتشر شد، در آن مقاله به صراحت بیان می کند که ما سال ۱۹۷۸ میلادی و چند روز قبل از پیروزی انقلاب ایران با امضای کمپ دیوید متحد آمریکا شدیم، ایران در همان زمان به مقابل آمریکا تبدیل شد و به جنگ آمریکا رفت. بعد میگوید امروز ایران ماهواره به هوا میفرستد، اما در قاهره دو میلیون نفر در قبرستان ها می خوابند! خب اینها نتیجه چه چیزی است؟



آمریکا به دنبال خالی کردن قدرت ایران

ایمان و باور ملت

دفاع از منابع قدرت خود

راهبرد آمریکا در برابر ایران

مدل آمریکا برای مهار ایران: فشار از بیرون، تغییر از درون

القا از بیرون:

شما می بینید آقای اواما تقویت مؤلفه های قدرت ایران را «تندروی» می خواند! از نظر او کسی که منابع قدرت جمهوری اسلامی را کاهش بدهد تندرو نیست اما اگر کسی فریاد زد و مانع دست اندازی به حقوق و منافع و ارزش های یک ملت شد، او تندرو می شود.

هم نوایی درون:

آیا درست است توانایی ملتی که حماسه های بزرگ را خلق می کند، در حد آبگوشت بزباش معرفی کنیم؟ یا یک عده می گویند ما اصلاً هسته ای می خواهیم برای چه؟ هزینه های رسیدن به آن زیاد است! یا می گویند اصلاً دنیا هسته ای را کنار گذاشته، چرا ما دنبال آن می رویم؟

مقابله با مدل آمریکا

این جا است که این سؤال پیش می آید که همه کسانی که ادعای دفاع از حقوق کشور و منافع ملت را دارند، آیا نباید با افتخار اعلام بکنند که پس با این تعریف، ما هم تندرو هستیم؟ نباید اجازه دهند آمریکا در بین صفوف ملت رخنه بکند و تقسیم بندی درست بکند.

لذا اگر گفته می شود ما به امریکایی اعتماد هستیم، این یک شعار نیست. این مبتنی بر یک تجربه و منطق است، مبتنی بر یک واقعیت است. این بی اعتمادی به امریکاهمان واقعیتی است که امروز در رفتار امریکادر موضوع برجام می بینید، این در حقیقت همان اثبات گزاره انقلاب اسلامی مبنی بر شیطان بزرگ بودن آمریکا است. آن بحثی که رهبران انقلاب بارها مطرح بیان کرده اند که زیر دستکش مخملین آنها یک پتک آهنین است، همین است. همزمان که با ما گفتگو می کنند، به اموال یک ملت راهزنی می کنند! اینهاست که باعث بی اعتمادی می شود این بی اعتمادی یک منطق واقع بینانه و صحیحی دارد. ان شاء الله با هوشیاری و بصیرت و مجاهدت های سخت کوشانه ملت ما به خصوص جوانان مادر عرصه علم و پیشرفت، موفقیت های بزرگی رقم بخورد و اسلام علیکم ورحمه الله

قدرتman

باورها

داشته ها

ایجاد تردید در:

بزرگنمایی قدرت خودش

ضعیف انگاشتن قدرت ایران